



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

بررسی مرگ کوروش بزرگ

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۵ مرداد ۱۳۹۲ | ۱۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

بررسی از روایت های مرگ کوروش بزرگ بررسی مرگ کوروش بزرگ به روایت ژوستن روایت این نویسنده در زمینه نوشته های هرودوت است و تفاوت های کمی با آن دارد. به روایت ژوستن پسر ملکه در جنگ اول کوروش با ماساژتها با کوروش به خاک افتاد و لشکر بزرگش از بین رفت، با این وجود اشکی در چشمان ملکه حلقه نزد و در عوض آتش کینه در دلش شعله کشید و به دنبال آن دامی برای کوروش گسترده او را در گردنه های کوهستان گرفتار کرد. شاه پارس با تمام قشونش که دویست هزار نفر بودند نابود شد و حتی يك نفر هم جان به در نبرد تا خبر این و



بررسی مرگ کوروش بزرگ

مرگ کوروش به روایت ژوستن

روایت این نویسنده در زمینه نوشته های هرودوت است و تفاوت‌های کمی با آن دارد. به روایت ژوستن پسر ملکه در جنگ اول کوروش با ماساژتها با کوروش به خاک افتاد و لشگر بزرگش از بین رفت، با این وجود اشکی در چشمان ملکه حلقه نزد و در عوض آتش کینه در دلش شعله کشید و به دنبال آن دامی برای کوروش گسترده او را در گردنه های کوهستان گرفتار کرد. شاه پارس با تمام قشونش که دویست هزار نفر بودند نابود شد و حتی یک نفر هم جان به در نبرد تا خبر این واقعه را برساند.

...

روایت کتزیاس

فوتیوس از قول کتزیاس پزشک دربار هخامنشی می نویسد که کوروش در اثر جراحاتی که بر او وارد آمده بود در جنگ با ((دربیک ها)) کشته شد. اینها فیل هایشان را رها کردند، اسب کوروش رم کرد و کوروش افتاد. یکی از سربازان هندی که با دربیک ها متحد بودند، زوبینی به ران او انداخت. کوروش را به خیمه اش بردند و او در اثر زخم پس از سه روز در گذشت. این بود روایت کتزیاس و دیدید که جدا از تفاوتها همگی این راویان مرگ کوروش را در میدان نبرد می دانند. تنها مورخی که مرگ کوروش را طبیعی و در بستر دانسته است گزنفون است. قبل از پرداختن به روایت او لازم است مختصری در معرفی او بنویسم.

گزنفون کیست؟

گزنفون مورخ یونانی (430 تا 352 قبل از میلاد مسیح) و از شاگردان سقراط حکیم بود. این شخص نوشته های زیادی از خود به یادگار گذاشته است. در مورد ایران این آثار او قابل توجه هستند. 1- کتابی در مورد سفر جنگی کوروش کوچک (منظور کوروش برادر اردشیر دوم است). 2- بازگشت 10000 نفر که گزارشی است عینی و مستند از ناکامی و بازگشت 10000 سرباز اجیر یونانی از قلمرو اردشیر دوم هخامنشی که در این اثر خواندنی وقایع را با جزئیات ثبت کرده است و اوضاع و احوال ایران هخامنشی در دوره اردشیر دوم هخامنشی را به خوبی نشان میدهد. 3- دو کتاب که درباره اقتصاد، تربیت جوانان و طرز مملکت داری نوشته است. اولی به اسم اکونومیکا و دومی معروف به سیروپدی (کوروش نامه) است که سرگذشت کوروش را از کودکی تا هنگام مرگ به تالیف در آورده است و فرمانروا و انسان ایده آل خود را در قالب کوروش بزرگ مجسم ساخته است. گزنفون قصد داشت با این تالیف، کتاب جمهوریت افلاطون را پاسخ داده و رد کند.

مرگ کوروش به روایت گزنفون (به صورت گزیده)

گزنفون که 98 سال پس از مرگ کوروش می زیسته است آورده: کوروش پیر شده بود. چون هفتمین بار به پارس بازگشت، مراسم قربانی به جای آورد و همانطور که عادت او بود هدایایی به اطرافیان داد. بعد شبی در خواب دید که موجودی برتر از انسانها به او نزدیک شد و به او گفت که آماده باش ای کوروش، زیرا به زودی نزد ایزدان خواهی رفت. کوروش از خواب بیدار شد و دانست که پایان عمرش فرا رسیده است، از اینرو برای خدای ملی و دیگر ایزدان قربانی کرد و از آنان سپاسگزاری کرد که با نشانه های آسمانی که به او داده اند و راهنمایی ها و یاری هایی که به او کرده اند، او را و کشورش را سعادت مند گردانیده اند و از آنها خواست تا به فرزندانش، به زنش، به دوستانش و به میهنش سعادت ببخشند و به زندگی خود او هم پایان خوشی بدهند. کوروش پس از مراسم قربانی به کاخ خود بازگشت و در بستر به استراحت پرداخت. هنگامی که وقت حمام رسید خدمتگزاران آمدند و خبر دادند که موقع شستشو فرا رسیده است. کوروش گفت میل دارد استراحت کند. به هنگام نهار نتوانست غذا بخورد، سپس آب خواست و با لذت آب را نوشید. فردا و پس فردا به همان حال بود. روز سوم فرزندانش را که از پارس آمده بودند فرا خواست و دوستان خودش و داوران پارسی را هم گفت تا آمدند و هنگامی که همه آمدند به اندرز گفتن پرداختن. سپس گفت خداحافظ، پسران عزیزم، از سویی من از مادرتان وداع کنید، من از همه دوستانی که در اینجا حاضرند و آنهایی که حضور ندارند خداحافظی می کنم. بعد دست هر یک از افرادی را که در پیرامونش بودند فشرد و روی خود را پوشاند و در گذشت.

گزیده ای از اندرز کوروش در بستر مرگ به روایت گزنفون

فرزندان من، دوستان من! من اکنون به پایان زندگی نزدیک گشته ام. من آن را با نشانه های آشکار دریافته ام و وقتی در گذشتم مرا خوشبخت بپندارید و کام من اینست که این احساس در اعمال و رفتار شما مشهود باشد، زیرا من به هنگام کودکی، جوانی و پیری بختیار بوده ام. همیشه نیروی من افزون گشته است، آنچنانکه هم امروز نیز احساس نمی کنم که از هنگام جوانی ضعیف ترم. من دوستان را به خاطر نیکوئی های خود خوشبخت و دشمنانم را مطیع خویش دیده ام. زادگاه من قطعه کوچکی از آسیا بود. من آن را اکنون مفتخر و بلند پایه باز می گذارم. در این هنگام که به دنیای دیگر می گذرم، شما و میهنم را خوشبخت می بینم و از اینرو میل دارم که آیندگان مرا مردی خوشبخت

بدانند.

باید آشکارا ولیعهد خود را اعلام کنم تا پس از من پریشانی و نابسامانی روی ندهد. من شما فرزندانم را یکسان دوست میدارم ولی فرزند بزرگترم که آزموده تر است کشور را سامان خواهد داد. فرزندانم! من شما را از کودکی چنان تربیت کرده ام که پیران را آرم دارید و کوشش کنید تا جوانتران از شما آرم بدارند. تو کمبوجیه، مپندار که عصای زرین سلطنتی، تخت و تاجت را نگاه خواهد داشت. دوستان صمیمی برای پادشاه عصای مطمئنتری هستند. هرکسی باید برای خویشتن دوستان یکدل فراهم آورد و این دوستان را جز به نیکوکاری بدست نتوان آورد. به نام خدا و اجداد در گذشته ما ای فرزندان اگر می خواهید مرا شاد کنید نسبت به یکدیگر آرم بدارید.

پیکر بی جان مرا هنگامی که دیگر در این دنیا نیستم در میان سیم وزر مگذارید و هرچه زودتر آن را به خاک باز دهید. چه بهتر از این که انسان به خاک که اینهمه چیزهای نغز و زیبا می پرورد آمیخته گردد. من همواره مردم را دوست داشته ام و اکنون نیز شادمان خواهم بود که با خاکی که به مردمان نعمتی بخشد آمیخته گردم.

اکنون احساس می کنم جان از پیکرم می گسلد.... اگر از میان شما کسی می خواهد دست مرا بگیرد یا به چشمانم بنگرد، تا هنوز جان دارم نزدیک شود و هنگامی که روی خود را پوشاندم، از شما خواستارم که پیکرم را کسی نبیند، حتی شما فرزندانم.

از تمام پارسیان و متحدان بخواهید تا بر آرامگاه من حاضر گردند و مرا از اینکه دیگر از هیچگونه بدی رنج نخواهم برد تهنیت گویند. به آخرین اندرز من گوش فرا دارید. اگر می خواهید دشمنان خود را تنبیه کنید، به دوستان خود نیکی کنید. خدا حافظ پسران عزیز و دوستان من، خدا حافظ. پس از این گفتار، کوروش روی خود را پوشاند و درگذشت.

این بود گزیده ای از سخنان نسبتاً مفصلی که گزنفون از قول کوروش بزرگ بازگو کرده است و در اینجا نکات برجسته آن به اختصار بازگو شد.

وصیتی دیگر به روایت کتزیاس

اما وصیت دیگری از کوروش در بستر مرگ را کتزیاس ذکر کرده است، به این صورت: کوروش در بستر مرگ پسر بزرگش را به تخت نشاند و پسر کوچکش را به فرمانروایی با کترین گماشت و سفارش کرد که در همه کارها به میل مادرشان رفتار کنند، سپس به آنها گفت که دست همدیگر را بفشارند و سوگند یاد کنند که با همدیگر مهربان باشند و اگر مهربان نباشند نفرین بر آنها باد.....

بنا به روایت بروس (Brose) کوروش در جنگ با عشیره داهه - از عشیره های قدیم پارت - به قتل رسیده است.

کتزیاس عقیده دارد که مرگ کوروش در نبرد با دریس ها (Derbices) اتفاق افتاده است.

روایت های کتزیاس، درباره مرگ کوروش بدین شرح است:

۲. کوروش از اسب به زمین فرو افتاد و یک جنگ جوی هندی با زوبین به بالای ران او زد.

...

۴. در واقع می توانستند کوروش را پس از آن زخم بکشند ولی در همان وقت نزدیکانش او را زنده از معرکه به در برده و به اردوگاه خود رساندند.

خلاصه فوتیوس از تاریخ کتزیاس، کتاب ۶، بند های ۴۰۲

۱. کوروش در هنگام مرگ، پسرش کمبوجیه را به پادشاهی برگزید.

...

۵. کوروش برای کسانی که کردار نیک را پیشه سازند آرزوی سعادت و به آنان که رفتاری زشت دارند نفرین کرد.

۶. پس از این دستور ها و وصایا، سه روز بعد از زخمی شدن، درگذشت.

خلاصه فوتیوس از تاریخ کتزیاس، کتاب ۸، بند های ۱۰۵ و ۶

...

طبق روایتهای گزنفون و استرابون این جنگها به کشته شدن کوروش منجر نشده است و وی به مرگ طبیعی وفات یافته است.

گزنفون در کتاب کوروش نامه به صورت مفصل درباره مرگ طبیعی کوروش در سالخوردگی سخن می گوید.

گزنفون پس از بیان وصیت و اندرزهای کوروش به فرزندان و دوستانش می نویسد:

پس از این گفته ها، کوروش به همه ی آنها دست داد، خودش را پوشاند، و بدینسان جان سپرد.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲۸، ترجمه خشایار رخسانی

به هر حال پذیرفتن واقعه ای که هرودوت درباره ی این شخصیت برجسته ی تاریخ جهان با آن کارنامه نیکو - که از جمله آن می توان به منشور کوروش اشاره کرد- نقل می کند کمی سخت است.

اکثر پژوهش گران معتقدند که کوروش در هنگام مرگ پیرمردی هفتاد ساله بوده است و جالب آنکه تا قبل از این هیچ صحبتی بین شاهنشاه ایران و ملکه ی ماساژت ها صورت نگرفته. چطور می شود یک پیر مرد هفتاد ساله به کسی که نه او را دیده و نه ارتباطی با وی داشته علاقه مند می شود و در مقابل رد کردن پیشنهاد ازدواج، به کشورش حمله می کند؟؟!!!!

.....

هرودوت اظهار می دارد که کوروش قصد داشته است با این تدبیر کشور تومیرس را زیر فرمان خود در بیاورد.]

هرودوت، کتاب ۱، بند های ۲۰۴ و ۲۰۵ [این تدبیر هم برای یک پادشاه جا افتاده که سالیان سال جنگیده است و قلمروی بزرگی در اختیار دارد بسیار ابلهانه می نماید.

جالب آنکه در بسیاری از موارد خود هرودوت اعتراف می کند که چند روایت درباره ی موضوعی که نقل می کند وجود داشته است. این اعتراف درباره چگونگی به قدرت رسیدن کوروش هم وجود دارد. (بنگرید به: تاریخ (تواریخ) هرودوت، کتاب ۱، بند ۹۵)

بعد از نقل داستان مرگ کوروش هم به صراحت اعلام می کند که چندین روایت از مرگ کوروش شنیده است و داستانی که به نظر خودش منطقی تر می رسد بیان کرده است.

درباره چگونگی مرگ کوروش روایات گوناگونی شنیده ام، اما روایتی را که نقل کردم، بیش از بقیه برای من درخور اعتماد می نمود.

تاریخ (تواریخ) هرودوت، کتاب ۱، بند ۲۱۴

داستانی که هرودوت نقل می کند در هیچ منبع دیگری یافت نمی شود و شواهد آن را غیر منطقی جلوه می دهد، همچنین خود هرودوت هم اعتراف می کند که چند روایت درباره مرگ کوروش شنیده است؛ همه این موارد ابهامات را درباره این داستان، افزایش می دهد.

همچنین به نظر می رسد جسد کوروش به سرزمین خودش رسیده و در پاسارگاد دفن شده است. کتیبه های یافت شده در پاسارگاد که مرتبط با کوروش هستند احتمال وجود چنین مقبره ای را تا حد زیادی افزایش می دهد. مؤید این مدعا گفته ی آریستوپول مورخ است که به هنگام تسخیر پاسارگاد بدست اسکندر، چنین موضوعی را نقل می کند.

این موضوع هم به ابهامات داستان هرودوت می افزاید.

شواهد و مدارک نشان می دهند که داستان هرودوت درباره مرگ کوروش، یک افسانه است و یک موضوع تاریخی نمی باشد البته این بدان معنا نیست که تمام روایات هرودوت ابهام دارند یا قابل پذیرش نیستند. می توان با بررسی هر کدام از روایات، به نتایجی دست یافت.

منابع

فره وشى، بهرام-ایرانویچ- تهران- انتشارات دانشگاه تهران-۱۳۶۵ پیرنیا، حسن- تاریخ ایران باستان - چاپ نهم - تهران - انتشارات افراسیاب- ۱۳۷۸

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «بررسی مرگ کورش بزرگ»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1305/pdf/مرگ-کورش-بزرگ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹